

بررسی گرافیک شهری با مباحث اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان

چکیده

گرافیک شهری یکی از مقوله‌های مهم در شکل‌دهی به فضای اجتماعی و سیاسی باشد. دولت‌ها و جوامع می‌کوشند تا از حداکثر مشارکت سیاسی شهروندان خود برخوردار شوند. روی دیگر، بی‌تفاوتی سیاسی است که می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ بود. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نظر هدف نیز پژوهشی کاربردی بود. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز (۸۰۰ هزار نفر) بودند که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که اعتبار آن از طریق اساتید مورد بررسی قرار گرفت (اعتبار صوری) و پایایی آن نیز با آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۴) به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری همبستگی و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS ۲۴ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد جنسیت، دینداری (اعتقادی، پیامدی، مناسکی، عاطفی، تجربی)، گرایش به هویت ملی، اعتماد اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی با بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معنی‌داری دارند و فقط سن با بی‌تفاوتی سیاسی فاقد رابطه بود. نتایج رگرسیون نیز نشان داد مجموع متغیرهای مورد بررسی توانستند به میزان $R^2 = 0.38$ واریانس متغیر بی‌تفاوتی سیاسی را تبیین نمایند.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت تأثیر گرافیک شهری بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی.
۲. بررسی بی‌تفاوتی سیاسی و دینداری در شهروندان.

سؤالات پژوهش:

۱. جایگاه گرافیک شهری در ترسیم فضای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه چیست؟
۲. چه عواملی در بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان تأثیر دارد؟

کلیدواژگان: بی‌تفاوتی سیاسی، گرافیک شهری، گرایش به هویت ملی، احساس عدالت اجتماعی.

مقدمه

گرافیک شهری از مقوله‌های مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران ساختارهای سیاسی است. توجه دولت‌ها به زندگی و زیست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شهروندان از یک سو و توجه و اهمیت شهروندان به امورات کشور همواره بحث جدی در ارتباط شهروندان و جوامع بوده است. توجه شهروندان به سرنوشت جامعه خویش نماینگر جامعه توسعه یافته و تجلی اجتماع مدنی است. در واقع حساسیت مردم به امورات مختلف جامعه از قبیل پیشرفت، عدالت، آموزش، سیاست و در یک کلام توسعه در مفهوم مشارکت قرار دارد. در مقابل مشارکت، بی‌تفاوتی قرار دارد. بی‌تفاوتی به نوعی از رفتارهای منفعل و بی‌تفاوت‌گرایانه شهروندان اطلاق می‌شود که نسبت به امورات و سرنوشت جامعه خویش حالت سکوت و یا نوعی بی‌تفاوتی از خود بروز می‌دهند بی‌تفاوتی سیاسی ناظر بر نوعی از رفتارها و اقدامات منفعل و خنثی نسبت به واقع سیاسی و اجتماعی است که فرد توجه جدی از خود نشان نمی‌دهد. به طور مختصر، بی‌تفاوتی نوعی فقدان عاطفه احساس و عاطفه نسبت به محیط زندگی و عدم درگیری در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است. بی‌تفاوتی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نمود یافته و می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود با شتاب تغییرات اجتماعی و پیچیدگی بیشتر نظام‌های سیاسی و افزایش توقعات شهروندان از دستگاه سیاسی در سایه رشد رسانه‌های جمعی میزان توجهات و فعالیت‌های سیاسی شهروندان با افت و خیر همراه بوده است چنانچه حتی جوامع توسعه یافته‌ای مانند اروپا نیز با نوعی افزایش بی‌تفاوتی سیاسی در شهروندان مواجه شده است. جلوه‌ها و صور بی‌تفاوتی سیاسی می‌تواند به شکل‌های مختلف عدم مشارکت در انتخابات، عدم حساسیت به سرنوشت جامعه، بی‌توجهی به منافع ملی، عدم اهمیت به نصایح حاکمان و ... باشد. بنابراین بی‌تفاوتی سیاسی دامنه گسترده‌ای از مسایل سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. یکی از بارزترین جلوه‌های مشارکت اعضای جامعه را می‌توان در رأی‌گیری‌ها و انجام انتخابات سراسری جستجو کرد (Tavasoli, ۲۰۰۳). در واقع، مشارکت در انتخابات و رأی‌دادن از مؤلفه‌های اساسی کنش سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. مشارکت مستلزم دخالت موثر در ارکان مختلف جامعه، به موقع و فراگیر و عمیق شهروندان در اداره جامعه خویش است (Kitaniva, ۲۰۱۹). مشارکت سیاسی نیز عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی محلی یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد (Pay, Et. al, ۲۰۰۲). شواهد متعددی نشان می‌دهند کشورهایی که مشارکت و رهبری فعال شهروندان در جوانب مختلف اداره سیاسی کشور دارند، پاسخگوتر، مساوی طلب و دموکراتیک‌تر هستند. به تعبیر هانتینگتون (۱۹۹۶) نیز میزان توجه شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آن مرز تفاوت جوامع سنتی و مدرن است (Marina, ۲۰۱۹). ریشه‌ها و علل کاهش مشارکت سیاسی شهروندان گوناگون و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهند دینداری و مذهب عامل مهمی در مشارکت سیاسی است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند افراد حتی اگر به هیچ مذهبی

هم تعلق نداشته باشند باز سعی می کنند خود را وابسته به سازمان و نهادهای دینی معرفی کنند عدالت اجتماعی نیز عاملی است که برخی مطالعات نشان داده‌اند چنانچه افراد احساس عدالت اجتماعی داشته باشند بیشتر در امورات جامعه خود فعال بوده و نقش بیشتری ایفا می کنند. اعتماد اجتماعی نیز به رابطه دو طرفه شهروندان و جامعه مربوط می شود. تحقیقات نشان می دهند چنانچه اعتماد اجتماعی افراد نسبت به جامعه خود بیشتر باشد افزایش مشارکت اجتماعی را می توان متصور بود. هویت نیز به عنوان مفهومی سیال و پیچیده می تواند در مشارکت و یا منفعل بودن رفتارهای افراد تأثیرگذار باشد. برخی پژوهش نشان داده‌اند چنانچه افراد دارای هویت ملی قوی و وطن پرست تر باشند و به طور کل به هویت خود حس زیادی داشته باشند بیشتر در امورات مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه شرکت می کنند کیفیت زندگی نیز به طور کل مربوط به زیستن افراد همراه با رفاه در ابعاد مختلف آن است. برخی تحقیقات نشان می دهند افراد برخوردار از کیفیت زندگی بالا بیشتر نسبت به امورات جامعه مدنی خود حساس تر و مشارکت بیشتری دارند سن و جنسیت نیز متغیرهای دیگری هستند که مورد توجه پژوهشگران بوده است. برخی پژوهش ها نشان می دهند سن و جنسیت با میزان رفتارهای سیاسی و مشارکت رابطه دارند (Et. al, ۲۰۱۵; Elmi, ۲۰۰۸; & Mohebi).

چنانکه بر اساس آخرین دوره برگزاری مجلس شورای اسلامی (دوره یازدهم) میزان مشارکت سیاسی ایرانیان کمتر از نصف یعنی ۴۲ درصد بوده است که نسبت به ده دوره اخیر کمترین میزان مشارکت بوده و نوعی بی تفاوتی سیاسی شهروندان قلمداد می شود (Hamshahri Onlin, ۲۰۲۰). شهر اهواز نیز به عنوان مرکز استان خوزستان یکی از مهم ترین شهرهای ایران و یکی از استراتژیک ترین مناطق ایران از لحاظ سیاسی و اجتماعی هست. در این شهر ترکیب اقوام، مذاهب و گرایش های سیاسی متفاوتی رواج دارد و این وضعیت هویت های گوناگونی را به وجود آورده است. از دیرباز نقش سیاسی و مشارکت این شهر همواره رو به افزایش بوده است. به طوری که در دهه های اولیه انقلاب اسلامی همواره جزء بالاترین رفتارهای مشارکتی - سیاسی بوده است اما در سالیان اخیر مشارکت رفتارهای سیاسی دچار نوسانی شده و نوعی بی تفاوتی سیاسی در بین شهروندان رقم خورده است. چنانچه میزان مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حدود ۴۲ درصد بوده است (Asre Iran, ۲۰۱۹) که این موضوع قابل مطالعه علمی و یک ضرورت است. مرور پیشینه موضوع نشان می دهد در کشورمان اگرچه تحقیقات نسبتاً متعددی در مورد بی تفاوتی اجتماعی انجام گرفته اما مطالعات بی تفاوتی سیاسی بسیار اندک بوده و خلا پژوهشی بشمار می رود. اندک تحقیقات موجود تنها رابطه دو و یا سه متغیر و عمدتاً متغیرهای جمعیت شناختی را مورد توجه قرار داده اند. اما نوآوری پژوهش حاضر این است تا حد امکان با مطالعه پیشینه مطالعات قبلی و ادبیات نظری متغیرهای بیشتری در ارتباط با بی تفاوتی سیاسی رصد نموده است که در تحقیقات قبلی به صورت منسجم وجود ندارند. بنابراین هدف اصلی بررسی عوامل موثر بر بی تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ می باشد. فرضیات پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. به نظر می رسد بین دینداری و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. ۲. به نظر می رسد بین هویت ملی و بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر

اهواز رابطه وجود دارد. ۳. به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. ۴. به نظر می‌رسد بین احساس عدالت اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد بین رضایت از کیفیت زندگی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد. ۵. به نظر می‌رسد بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز وجود دارد. ۶. به نظر می‌رسد بین جنسیت و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز تفاوت وجود دارد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال تحقیقاتی پیرامون بی‌تفاوتی سیاسی انجام شده است. (Et. al. (۲۰۱۹) & Rezapour) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین بی‌تفاوتی اجتماعی (بی‌تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی) و زمینه اجتماعی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. بین بی‌تفاوتی سیاسی (بی‌تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و شناختی) و زمینه اقتصادی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. بین بی‌تفاوتی اجتماعی (بی‌تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه فرهنگی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین بی‌تفاوتی اجتماعی (بی‌تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه سیاسی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد (Jahangiri & Mohammadi (۲۰۱۸)). در پژوهشی نتیجه گرفتند از میان مؤلفه‌های امید سیاسی، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت و خوش بینی به سیاست‌گذاری‌ها، در مجموع ۱۵ درصد تغییرات بی‌تفاوتی دانشجویان نسبت به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین می‌کنند بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با مشارکت سیاسی شهروندان قم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هرچه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی عنصر آگاهی باکیفیت‌تر، به هنگام‌تر و اجرایی‌تر باشد، می‌تواند موجب افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در سطحی بالاتر شود. (Keshavarz & Negin Taji (۲۰۱۵)) در پژوهشی با عنوان رابطه عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی جوانان، نتیجه گرفتند بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین مشارکت سیاسی جوانان بر حسب وضعیت تأهل و محل سکونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر زمانی نیز پژوهشی مقطعی است. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ بودند که بر اساس آخرین سرشماری رسمی آمار تعداد آن‌ها حدود ۸۰۰ هزار نفر بوده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر حاصل شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (ابتدا کل شهر به چهار ناحیه تقسیم شد. سپس به تصادف یک ناحیه انتخاب شد و تمام پرسش‌شوندگان هدف) مورد پرسش قرار گرفتند. شایان ذکر است برای کم کردن ریزش

احتمالی نمونه ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت با مخدوش بودن ۲۰ مورد در نهایت ۳۸۰ پرسشنامه سالم مورد تحلیل قرار گرفت. ابزار پژوهش شامل ۱- پرسشنامه محقق ساخته بی تفاوتی سیاسی: این پرسشنامه دارای ۲۸ گویه می باشد و بر اساس طیف ۵ قسمتی لیکرت به صورت (خیلی زیاد، ۵، زیاد، ۴، تا حدودی، ۳، کم، ۲، و خیلی کم (۱) نمره گذاری و سعی شد ترکیب سوالات به صورت مثبت و منفی در نظر گرفته شود. دامنه نمرات آن بین ۲۸ تا ۱۴۰ است که حد نمره بین ۲۸ تا ۵۸ بی تفاوتی سیاسی کم، دامنه بین ۵۸ تا ۸۸ متوسط و بین ۱۱۸ تا ۱۴۰ سطح بی تفاوتی سیاسی زیاد می باشد -۲. پرسشنامه استاندارد دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵) این پرسشنامه دارای ۲۶ گویه است و از ۵ بعد (مناسکی، تجربی، اعتقادی، فکری و پیامدی) به سنجش دینداری افراد می پردازد. شیوه نمره گذاری آن بین ۰ تا ۴ است. نمرات ۰ تا ۲۶ بیانگر دینداری ضعیف ۲۶، تا ۷۸ نشان دهنده دینداری متوسط و دامنه ۷۸ تا ۱۰۴ بیانگر دینداری بالا می باشد. این پرسشنامه در ایران مورد استفاده پژوهشگران بوده است. سراج زاده (۱۳۷۸) پایایی آن را حدود ۸۰ برای کل پرسشنامه گزارش کرده است. عبدی و رضایی (۱۳۹۳) نیز سطح اعتبار آن را مطلوب گزارش کرده اند -۳. پرسشنامه عدالت اجتماعی: این پرسشنامه دارای ۲ بعد عدالت رویه ای و توزیعی و ۱۵ گویه است و بر اساس طیف لیکرت سنجیده می شود. در پژوهش هزار جریبی (۱۳۹۰) اعتبار این گویه ها مورد تایید بوده است. برای سنجش متغیر هویت ملی گرفته شد. ابعاد هویت ملی شامل هویت تاریخی، سیاسی و فرهنگی بود. اعتماد اجتماعی: (با دو شاخص اعتماد غیررسمی و اعتماد رسمی با ۸ گویه) و برای سنجش رضایت از کیفیت زندگی شاخص رضایت از سلامتی، رضایت از دوستان و خانواده و رضایت از وضعیت مالی با ۸ گویه) در قالب طیف لیکرت اندازه گیری شده اند. برای اعتبار پرسشنامه از روایی صوری و توزیع مقدماتی استفاده شد و برای پایایی ابزار نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد جدول (۱). برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز از آزمون های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون های همبستگی و رگرسیون) از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد.

جدول ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرها variable	ابعاد Dimensions	تعداد گویه Number of items	میزان آلفا Alpha
بی تفاوتی سیاسی	۲	۲۸	۰/۹۰
دینداری	۴	۲۶	۰/۸۸
هویت ملی	۳	۸	۰/۸۲
اعتماد اجتماعی	۲	۸	۰/۷۲

۰/۸۶	۱۵	۳	احساس عدالت اجتماعی
۰/۷۵	۱۴	۳	رضایت از زندگی

۰/۸۴	کل پرسشنامه
------	-------------

نتیجه گیری

مشارکت و درگیری فعال شهروندان یک کشور در نظام سیاسی، می تواند زمینه توسعه آن را فراهم کند. در نقطه مقابل، بی تفاوتی سیاسی شهروندان نیز می تواند مانع تحقق توسعه جامعه باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی عوامل موثر بر بی تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بود. یافته ها نشان داد بین جنسیت و بی تفاوتی سیاسی شهروندان تفاوت وجود دارد بدین معنا که بی تفاوتی سیاسی در نزد زنان بیشتر از مردان است. این یافته با پژوهش هایی مانند محبی و همکاران (۲۰۱۶)؛ فرهمند و همکاران (۲۰۱۶)؛ سیدامامی (۱۳۸۶) و ایمان و مقدس (۱۳۸۱) که نتیجه گرفته بودند بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ همسو است. در این تبیین این رابطه باید گفت زنان عموماً بیشتر در خانه هستند و کمتر در فعالیت های سیاسی مشارکت دارند. یک دلیل می تواند این باشد که در نمونه پژوهش حضور زنان کم سواد نسبتاً زیاد بود (۲۱/۰) این می تواند یکی از دلایل اصلی باشد که آنان کمتر در فعالیت های سیاسی شرکت کرده اند. همچنین باید اشاره کرد به طور کل در فرهنگ عرب از زنان انتظار کمتری می رود در امورات سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشند اگرچه پژوهش حاضر ترکیبی از زنان اقوام مختلف از جمله عرب شهر اهواز بودند لذا می توان نتیجه گرفت بی تفاوتی سیاسی در نزد آنان بیشتر باشد. نتیجه فرضیه رابطه بین سن و بی تفاوتی سیاسی تایید نشد. به عبارتی بین دو متغیر رابطه معناداری مشاهده نشد. این زاویه نتیجه با یافته های محبی و همکاران (۲۰۱۵) و فرهمند و همکاران (۲۰۱۶) که نتیجه گرفتند بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد مغایرت دارد. در این مورد می توان گفت نمونه مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال و از گروه های سنی مختلف بودند که بیشتر در گروه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ بودند. از این رو می توان نتیجه گرفت گروه های سنی میانه به خاطر شور و هیجان کمتر و درگیری بیشتر با زندگی روزمره میل کمتری به مشارکت داشته باشند. علاوه بر این برای قضاوت دقیق تر در مورد رابطه یا عدم رابطه به نمونه جامعه آماری متنوع تری در مکان های مختلف نیاز است. با این وجود نتیجه پژوهش حاضر مبین این است که بین سن و بی تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد و به نظر می آید بی تفاوتی سیاسی در بین همه گروه های سنی وجود دارد. فرضیه دیگر پژوهش مبنی بر رابطه بین دینداری و بی تفاوتی سیاسی نیز تایید شد. تمام ابعاد متغیر دینداری با بی تفاوتی سیاسی رابطه منفی و معناداری داشتند. یافته های پژوهش حاضر با پژوهش های نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴)، ایمان و مقدس (۱۳۸۱)، محبی و همکاران (۲۰۱۶)، باقریان و خوش فر (۲۰۱۷) و دریسکیل و همکاران (۲۰۰۸) همسو و نتایج آنان را تأیید می کند. در مورد رابطه دینداری و بی تفاوتی

سیاسی می‌توان گفت به طور کل دین و مذهب عاملی نیرومند در ایجاد باورها و اعتقادهای افراد عمل می‌کند و پیروی از این مجموعه آموزه‌ها لازم و ضروری است. به باور دورکیم دین و مذهب می‌تواند به‌مثابه نیرویی انسجام‌بخش عمل نماید. کارکردگرایان نیز برای دین کارکرد انسجام بخشی قایل بودند. بخشی زیادی از این انسجام در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. افراد مطابق باورهای دینی خود عمل می‌کنند و بخشی از باورهای دینی در بیشتر ادیان مشارکت و فعالیت در زندگی در بعد فردی و جمعی است. بنابراین شرکت در امورات سیاسی و اجتماعی نیز در همین مقوله است. به طور مختصر دینداری، افراد را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به منزله انجام بخشی از بعد دینداری (مناسکی) سوق می‌دهد که انجام و یا عدم آن مطابق آموزه‌های دینی با خرسندی و یا سرزنش فرد همراه است. برای مثال در کشورمان نیز شرکت در امورات سیاسی به ویژه انتخاب به عنوان تکلیف شرعی و دینی از سوی بزرگان دین محسوب می‌شود لذا می‌توان نتیجه گرفت که دینداری نیرویی برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌کند و هرچه دینداری بیشتر باشد انتظار مشارکت بیشتر داشت. نتیجه فرضیه رابطه بین گرایش به هویت ملی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز حاکی از رابطه معناداری بود. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های قاضی‌زاده و کیانیپور (۱۳۹۴) (و حسنی (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت هویت ملی احساس تعلق به وطن و سرزمین و تاریخ خود است. هرگاه این حس در افراد بیشتر باشد احساس غرور و تعصب به هویت آنان افزایش پیدا می‌کند همین می‌تواند به درگیری و فعالیت بیشتر فرد در امورات سیاسی و اجتماعی منجر شود. نمونه بارز آن را می‌توان دفاع از آب و خاک کشور در طول جنگ تحمیلی مشاهده کرد در واقع حس وطن دوستی و دفاع از هویت ملی به نوعی انگیختن افراد به دفاع از هویت کشور منجر شد که می‌توان همین را در قالب مشارکت سیاسی در بعد دفاعی و رزمی دانست. لذا می‌توان نتیجه گرفت هویت ملی می‌تواند افراد را نسبت به امورات و سرنوشت کشور خود حساس تر و فعال تر نماید. نتیجه فرضیه رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان نیز تأیید شد. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی با یافته‌های پژوهش‌های پاپستوفنوا، (۲۰۱۹) تین، (۲۰۱۸) داهل و همکاران، (۲۰۱۸) لیو و همکاران، (۲۰۰۷) من لیم، (۲۰۰۶) حبیب پور گتایی و همکاران، (۱۳۹۵) نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) و رفعت جاه و رحیمی (۱۳۹۴) همسو و همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت اعتماد اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین محورهای پیوند اجتماعی است که افراد را به دور هم به واسطه نیازهای متقابل گرد می‌آورد. می‌توان گفت چنانچه اعتماد شهروندان به دولتمردان زیاد باشد میزان مشارکت افزایش و عکس آن نیز صادق است. اعتماد مستلزم این باور است که دولتمردان قابل اعتماد هستند و به نیازهای شهروندان توجه می‌نمایند در چنین شرایطی می‌توان انتظار مشارکت سیاسی بیشتر را شاهد بود اما چنانچه شهروندان احساس نمایند اعتماد یک طرفه است و پاسخ متقابلی در پی ندارد ممکن است به تدریج از میزان توجه به امورات سیاسی و مشارکت آنان کاسته شود. نتیجه فرضیه بعدی مبنی بر وجود رابطه بین احساس عدالت اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تأیید شد. این یافته با نتایج تحقیقات پاپستوفنوا، (۲۰۱۹) تین، (۲۰۱۸) داهل و همکاران، (۲۰۱۸) لیو و همکاران، (۲۰۰۷) من لیم، (۲۰۰۶) نگین تاجی و کشاورز

(۱۳۹۴) و حسنی ۱۳۸۹ (همسوست. هانتیگتون معتقد بود با کاهش بی‌عدالتی اجتماعی و افزایش رفاه اجتماعی (رضایت از زندگی) تعلق سیاسی مردم نیز افزایش می‌یابد و افزایش بی‌عدالتی کاهش مشارکت شهروندان را در پی خواهد داشت (Huntington, ۲۰۱۰). بنابراین عدالت زمینه‌ای فراهم می‌کند که افراد خود را سهام‌دار قدرت و تصمیم‌گیری بدانند و از این رو برای حفظ سهم قدرت خود در امورات سیاسی مشارکت سیاسی نمایند.

در نهایت نتیجه فرضیه وجود رابطه بین رضایت از کیفیت زندگی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز رابطه نیز تایید شد. در پژوهش‌های پاستوفنوا، (۲۰۱۹) تین، (۲۰۱۸) داهل و همکاران، (۲۰۱۸) لیو و همکاران، (۲۰۰۷) من لیم، (۲۰۰۶) رفعت جاه و رحیمی (۱۳۹۴) نیز چنین یافته‌ای مشاهده می‌شود که نتایج پژوهش حاضر نیز آنان را تایید می‌کند. در تحلیل این یافته باید گفت کیفیت زندگی به نگرش فرد از چگونه زیستن مربوط می‌شود به طور کل کیفیت زندگی می‌تواند امری نسبی و از جامعه به جامعه دیگر متفاوت باشد. لیست معتقد بود با افزایش سطح توسعه اقتصادی (افزایش کیفیت زندگی)، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می‌شود؛ دسترسی همگان به بهداشت و آموزش بیشتر می‌شود و سطح برابری در مصرف (عدالت اجتماعی) افزایش می‌یابد (Chalabi, ۲۰۱۰). کشورها از نظر شاخص‌های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که میزان کیفیت زندگی آنان را رقم می‌زند و همبستگی موجود بین توسعه سیاسی و اقتصادی به همین مربوط است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت چنانچه کیفیت زندگی شهروندان مثبت ارزیابی شود برای حفظ و ارتقای این سطح زندگی شهروندان نسبت به امورات سیاسی و مشارکت تلاش بیشتری خواهند کرد. روی هم رفته پژوهش حاضر به بررسی برخی از مهمترین عوامل اثرگذار بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز پرداخت. تمام فرضیات پژوهش به جز سن رابطه معناداری با بی‌تفاوتی سیاسی داشتند. اگرچه نتایج پژوهش حاضر در یک شهر به خاطر محدودیت زمانی و مالی محقق انجام گرفته و از این نظر با محدودیت روبه روست اما نتایج پژوهش می‌تواند مورد توجه باشد. ابتدا پیشنهاد می‌شود محققان آینده پژوهشی ترکیبی با رویکرد کیفی - کمی انجام دهند. پژوهش نشان داد بین دین‌داری و بی‌تفاوتی سیاسی ارتباط وجود دارد، بنابراین تدوین سیاست‌های فرهنگی و تبلیغی و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط دو اقدام اساسی در بحث ساماندهی نظام تبلیغی کشور است که نیازمند تمهیدات هماهنگی است. پیشنهاد بعدی این است که تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد. برای این منظور یکی از راه‌های مناسب در این زمینه عبارت است از اینکه مسئولین در حد امکان به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، عمل نمایند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌گردد. اعتماد اجتماعی بالا نتایج مفیدی برای جامعه دارد. از یکسو انگیزه مردم را برای مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و همچنین رویدادهای سیاسی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر به توسعه و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی که نقش بسزایی در کاهش بی‌تفاوتی سیاسی افراد ایفاء می‌کند منجر می‌شود. پیشنهاد بعدی در راستای عدالت اجتماعی این است که منابع درآمدی هر شهر به نسبت در آن شهر و بین شهروندان آن منطقه صرف کارهای عمرانی شود. این اقدام می‌تواند به توزیع عادلانه عدالت و در نتیجه افزایش حس عدالت منجر شود که می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان بینجامد.

منابع

- آلموند، گابریل؛ پاول، بینگهام. (۱۳۸۰). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی .
- ایمان، محمدتقی؛ مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز»، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۳۵(۳-۴)، ۷۵-۹۵.
- باقریان، مصطفی؛ خوش فر، غلامرضا. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۴(۷۶)، ۱۷۵-۲۱۲.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). «بی‌تفاوتی اجتماعی»، ماهنامه ایران فردا، شماره ۱۱.
- پناهی، محمدحسین؛ یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی. ۱۱(۲۶)، ۶۹-۱۰۷.
- تاجی، نگین؛ کشاورز، ریحانه و جوانان، حمید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی». (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی) کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران .
- پای، لوسین و دیگران. (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی .
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی دینی، تهران: نشر سخن.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک جامعه، دانشگاه تهران: موسسه انتشارات .
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی .
- جهانگیری، جهانگیر؛ محمدی، نسرين. (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۷(۱)، ۱۵-۱۲۷.
- حبیب پور گتایی، کرم؛ موسوی خورشیدی و سید حمیدرضا. (۱۳۹۵). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم»، مجله رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۲)، ۳۹۲-۳۵۹.
- راش، مایکل. (۱۳۹۰). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت .

ربیعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه .

رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان، تهران: آستان قدس رضوی .

درک توسعه سیاسی. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران. (۱۳۸۹). هانتینگتون، ساموئل و واینر، مایرون، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی .

رضاپور، داریوش، گلستانی، علیرضا و حق پرست، کاوه. (۱۳۹۸). «بررسی برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر بی‌تفاوتی سیاسی مطالعه موردی: جوانان شهر بوشهر»، سومین کنفرانس بین‌المللی دستاورهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی .

روزنامه همشهری آنلاین. (۱۳۹۸). «پایین‌ترین مشارکت رقم خورد: جدول مقایسه میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم با دوره‌های قبل»، یکشنبه ۴ اسفندماه ۱۳۹۸ .

زارع، بیژن؛ روهنده، مجید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه ای درباب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۸۷-۶۴.

شاطریان، محسن؛ حیدری سورشجانی، رسول. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی شهر بزرک)»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰)، ۲۰۹-۱۹۱.

عصر ایران. (۲۰۱۹). «وزارت کشور میزان مشارکت در انتخابات مجلس را به تفکیک استان‌ها اعلام کرد». کد خبر

۷۱۶۵۴۵.

علمی، محمود. (۱۳۸۷). «جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان»، زن و مطالعات خانواده، ۱(۱)، ۱۷۶-۱۵۳.

غفارزاده خویی، پریسا؛ صباغ، صمد. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز». مطالعات جامعه‌شناسی، ۳۶-۲۵.

فرهنمند، مهناز و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن»، ۱۵(۳۳)، ۳۷-۱.

قاضی‌زاده، هورامان؛ کیانپور، مسعود. (۱۳۹۴). «بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۱)، ۷۸-۵۹.

قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.

لبیبی، محمد مهدی و همکاران. (۱۳۹۷). «اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در شهروندان شهر گرگان». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸(۷۰)، ۲۴۰-۲۰۹.

محبی، سیروس و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه‌نشین شهرها (نمونه مورد مطالعه: مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه)». علوم اجتماعی، ۱۰(۳۴)، ۱۴۵-۱۷۲.

محمدی فر، نجات و دیگران. (۱۳۹۴). «تجزیه و تحلیل نقش کیفیت زندگی بر نوع و میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)». توسعه اجتماعی، ۱۰(۲)، ۱۵۶-۱۲۷.

دال سیونگ، یو. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی. تهران: انتشارات خانه سبز.

همیلتون، ملکم. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی دین. (مترجم. محسن ثلاثی). تهران: تبيان.

Akah, J. N., & Ajah, A. C. (۲۰۲۰). The changing impact of religiosity on agentic political engagement in Nigeria. *Cogent Social Sciences*, ۶ (۱), ۱۷۲۲-۱۷۳۵.

Allen, N., & Birch, S. (۲۰۱۵). Process preferences and British public opinion: Citizens' judgements about government in an era of anti-politics. *Political Studies*, ۶۳ (۲), ۳۹۰-۴۱۱.

Arikan, G., & Bloom, P. B. N. (۲۰۱۹). Religion and political protest: A cross-country analysis. *Comparative political studies*, ۵۲ (۲), ۲۴۶-۲۷۶.

Barkan, Steven. (۱۹۹۹). Race, issue engagement, and political participation. *Race society*, ۱ (۱): ۶۳ - ۷۶.

Dahl, Viktor and Amnå, Erik and Banaji, Shakuntala and Landberg, Monique and Serek, Jan and Ribeiro, Norberto and Beilmann, Mai and Pavlopoulos, Vassilis and Zani, Bruna (۲۰۱۷) Apathy or alienation? Political passivity among youths across eight European Union countries. *European Journal of Developmental Psychology*, ۱۵ (۳). pp. ۲۸۴-۳۰۱. ISSN ۱۷۴۰-۵۶۲۹

Driskell, R., Embry, E., & Lyon, L. (۲۰۰۸). Faith and politics: The influence of religious beliefs on political participation. *Social Science Quarterly*, ۸۹ (۲), ۲۹۴-۳۱۴.

Djupe, P. A., & Grant, J. T. (۲۰۰۱). Religious institutions and political participation

in America. *Journal for the Scientific Study of Religion* , 42 (2), 203-214.

Esa, N. B., & Hashim, R. B. (2017). Identifying the influence factors on the intention to vote among youths in rural areas. *Journal of Political Science Public Affairs* , 5 (4), 292.

Flavin, P., & Keane, M. J. (2012). Life satisfaction and political participation: Evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies* , 13 (1), 73-78.

Henn, M., Weinstein, M., & Hodgkinson, S. (2007). Social capital and political participation: understanding the dynamics of young people's political disengagement in contemporary Britain. *Social Policy and Society* , 7 (4), 477-499

Kitanova, M. (2019). Youth political participation in the EU: evidence from a cross-national analysis. *Journal of Youth Studies* , 1-18.

Lu Min,ZHAO Yan-xia,JIN Yi-duo(2007)Contemporary University Students'

Political Indifference Phenomena Analysis and the Countermeasures, *Journal of Hebei Polytechnic University(Social Science Edition)*